

# اهمیت امام

نویسنده: خادم حسین صالحی

۱۳۹۳/۳/۱

## چکیده

امامت، یکی از مهم‌ترین مسائل، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است، که اگر مردم امام معصوم را بشناسد و راه روش آن‌ها را در زندگی خود به کار گیرد و زمینه ای حاکمیت آنان و یا نواب ایشان را فراهم کند، بسیار از مشکلات بشری اعم از مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و... بر طرف می‌گردد؛ و جوامع بشری به سعادت دنیا و آخرت می‌رسند.

بنابراین، این پژوهش با رویکرد مبتنی بر قرآن و روایات معصومین (ع)، به بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی امام، اهمیت امام در قرآن، اهمیت امام در سنت، تحت عنوان اهمیت امامت، در یک مقدمه و دو اصل، پرداخته است.

## واژگان کلیدی

امام در لغت، امام در قرآن، امام در اصطلاح، اهمیت امام در قرآن و اهمیت امام در سنت.

## مقدمه

تردید نیست که جامعه بشری در تمام امور زندگی خود به پیشوا و هدایت‌گر نیازمند هستند، مسلماً عقل به تنهایی نمی‌تواند در تمام امور هادی انسان باشد؛ و لذا خداوند متعال رسولان و هادیانی را برگزیدند، تا سکان هدایت جامعه را به دست گیرند و بندگان خدا را به صراط مستقیم هدایت و رهبری کنند. از این روست که مسئله امامت و رهبری از دیدگاه شیعه از ارکان دین و اصول اعتقادی است، یعنی بر هر فردی لازم است که خودش از طریق عقل، کتاب و سنت این مسئله را بررسی کند و حقیقت را دریابد، امام و رهبر خود را بشناسد؛ و لذا روایات متعددی در وجوب شناخت امام از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) نقل شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۱)، هرکسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مانند این است که در جاهلیت مرده است.

ابی بصیر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که در باره این آیه، «به هر کس حکمت داده شود خیر فراوان به او داده شده» (۲)، فرمود: مراد از خیر فراوان معرفت و شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره‌ای است که خداوند آتش را بر ارتکاب آن‌ها واجب ساخته است. (۳)

## سؤالات تحقیق

۱. آیا در قرآن اوصاف امام بیان شده است؟

۲. آیا پیامبر اسلام (ص) به صورت صریح و روشن خلیفه و جانشینش را معرفی نموده است؟

## روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی اعتقادی و تربیتی، در قرآن و سنت معصومین (ع)، با روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای است. منابع مورد استفاده: قرآن کریم، تفاسیر و کتب روای معتبر بوده است، که در بخش منابع درج شده است.

## مفاهیم

### الف. امام در لغت:

امام: به معنای مقتدا و پیشواست، خواه انسان باشد، یا چیز دیگر، چنان که ابن فارس گفته است: «امام، کسی است که در کارها به او اقتدا می‌شود، و پیامبر (ص) امام ائمه، و خلیفه امام رعیت، و قرآن امام مسلمان است». (۴)

امام: کسی است که به پیشوایی او در قول و فعل اقتدا می‌شود و یا کتابی و چیزی است، چه بر حق باشد و چه بر باطل، جمع امام ائمه است. (۱)

۱. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، ج ۳، ص ۵۸. قم: دار الحدیث. چاپ اول. ۱۴۲۹ ق

ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۰۹. تهران: اسلامیه. چاپ دوم. ۱۳۹۰ ق

۲. بقره (۱)، آیه ۱۷۳.

۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۱۵. قم: مؤسسه آل البيت (ع). چاپ اول.

۴. ابن فارس، احمد بن فارس، (۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتبه الاسلامی. چاپ اول.

امام: بر وزن کتاب مصدر است، و به هر چیزی که مورد توجه و مقصود است اطلاق می‌شود. معنای امام در موارد مختلف متفاوت است؛ به پیامبر (ص) امام امت، به خلیفه امام رعیت، به قران امام مسلمین گفته می‌شود. (۲)

از جمله معانی امام: پیشوا، معلم، جاده، رسیمان کار بنا، نیز آمده است. (۳).

### ب. امام در قرآن

واژه امام به همان معنای لغوی دوازده مرتبه در قرآن تکرار شده است. که هفت بار به صورت مفرد و پنج بار به صورت جمع به کار گرفته شده است.

در پنج مورد به پیشوایان حق و صالح اطلاق شده است. خداوند خطاب به حضرت ابراهیم می‌فرماید: «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (۴)، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزیدم.

عباد الرحمان (بندگان ویژه خدا) این مقام را از خدا در خواست نمودند، که بدون تردید ائمه معصومین (ع) از بارزترین مصادیق عباد الرحمان است «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (۵)، ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده.

خداوند متعال در باره حضرت ابراهیم، اسحاق و یعقوب می‌فرماید: «وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أُتَمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (۶)، ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که (بشر را) به فرمان ما (به سوی حق و حقیقت) هدایت می‌کردند. راجع به حضرت موسی و یارانش می‌فرماید: «وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أُتَمَّةً وَاجْعَلْنَا لَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۷)، آنان را پیشوایانی، و وارثانی قرار دهیم.

در باره افراد خاص از بنی اسرائیل می‌فرماید: «وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ أُتَمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا» (۸)، ما بعضی از آنان را به خاطر اینکه صبر می‌کردند پیشوایانی قرار دادیم.

در دو مورد به پیشوایان کفر و ضلالت اطلاق شده است، خداوند متعال خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (۹)، و اگر مشرکین سوگند خود را

۱. راغب اصفهانی. حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار العلم. چاپ اول. ۱۳۴۷.

۲. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرتضوی. چاپ دوم. ۱۳۷۴.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۹). لسان العرب. بیروت: دار صادرات. چاپ سوم.

۴. سوره بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

۵. سوره فرقان (۲۵)، آیه ۷۴.

۶. سوره انبیاء (۲۱)، آیه ۷۳.

۷. سوره قصص (۲۸)، آیه ۵.

۸. سوره سجده (۳۲)، آیه ۲۴.

۹. سوره توبه (۹)، آیه ۱۲.

بعد از عهدی که بستند شکستند و در دین شما طعن زدند در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید.

خداوند متعال در باره فرعونیان می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»<sup>(۱)</sup>، آنان را از آن گونه پیشوایانی ساختیم که مردم را به آتش دعوت می‌کنند.

در دو مورد بر تورات موسی اطلاق شده است «وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً»<sup>(۲)</sup> قبل از آن هم کتاب موسی پیشوا و رحمتی بود.

در یک مورد به مفهوم جامع که هم بر امامان حق و هم بر امامان باطل به کار رفته است «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»<sup>(۳)</sup>، روزی که هر گروه از مردم را به پیشوایانشان بخوانیم.

در یک مورد به معنای راه اطلاق شده است «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمْ لِبِإِمَامٍ مُّبِينٍ»<sup>(۴)</sup>، از آنان انتقام گرفتیم و شهرهای آن دو قوم آشکارا بر سر را هند.

و در یک مورد بر لوح محفوظ اطلاق شده است «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»<sup>(۵)</sup>، هر چیزی را در کتاب مبین شمار کرده‌ایم.

### ج. امام در اصطلاح

در بین علماء و اندیشمندان مسلمان از امام تعاریف متعدد ارائه شده است، که به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند.

دسته اول تعاریف است که قید خلافت و نیابت از پیامبر در آنها نیامده است بدین جهت نبوت را نیز شامل می‌شوند، مانند این تعارف:

«الإمامة رياسة عامة في الدين و الدنيا لشخص من الأشخاص»<sup>(۶)</sup>، امامت، رهبری عمومی در امور دین و دنیا و برای فردی از افراد است. همین تعریف را لایجی در کتاب المواقف با کمی تفاوت<sup>(۷)</sup> و جمیل صدوقی الزهاوی در کتاب الفجر الصادق<sup>(۸)</sup> آورده است.

<sup>۱</sup> . سوره قصص (۲۸)، آیه ۴۱.

<sup>۲</sup> . سوره هود (۱۱) آیه ۱۷. سوره احقاف (۴۶) ف آیه ۱۲.

<sup>۳</sup> . سوره اسراء (۱۷)، آیه ۷۱.

<sup>۴</sup> . سوره حجر (۱۵)، آیه ۷۹.

<sup>۵</sup> . سوره یس (۳۶)، آیه ۱۲.

<sup>۶</sup> . جرجانی، القاضی. شرح المواقف، ص ۳۴۵. مصر: مطبعة السعادة. چاپ اول. ۱۳۲۵.

<sup>۷</sup> . الایجی. المواقف، ص ۵۷۴. بیروت: دار الجیل. چاپ اول. ۱۴۱۷ ق.

<sup>۸</sup> . الزهاوی، جمیل صدوقی. الفجر الصادق، ص ۴. استانبول: مکتبه اشیق. ۱۹۸۴ م.

«امامت یعنی مقام رهبری همه جانبه مادی و معنوی جسمی و روحانی و ظاهری و باطنی است، امام رئیس حکومت و پیشوای اجتماع و رهبر مذهبی و مربی اخلاق و رهبر باطنی و درونی است»<sup>(۱)</sup>.  
دسته دوم، تعاریف است که قید خلافت یا نیابت از پیامبر در آنها آمده است و بدین جهت شامل نبوت نمی‌شود. مثل این موارد: «الإمامة خلافة عن النبي»<sup>(۲)</sup>. «الإمامة ریاسة عامة فی أمورالدين والدنيا لشخص من الأشخاص نیابة عن النبي صلى الله عليه وآله»<sup>(۳)</sup>، امامت، رهبری عمومی در امور دین و دنیا و برای فردی از افراد به عنوان نیابت از پیامبر (ص) است. همین تعریف را دکتر عبدالهادی الفضلی به نقل از علامه حلی در کتاب خلاصه علم کلام آورده است.<sup>(۴)</sup> و سید محسن امینی در کتاب اعیان الشیعه<sup>(۵)</sup>، آورده است.

«الإمامة خلافة الرسول فی إقامة الدين بحيث يجب اتباعه علی كافة الأمة»<sup>(۶)</sup>، امامت عبارت است از جانشینی پیامبر در اجرای دین، به گونه‌ای که پیروی از او بر همه مسلمانان واجب است.

## نقد این تعاریف

اشکال اول بر این تعاریف.

این تعاریف مبهم است، در این تعاریف منشأ اعتبار مقام امامت مشخص نیست، که آیا این مقام یک مقام الهی و انتصابی است، و یا یک مقام غیر الهی و انتخابی است. اگر انتخابی است، آیا این انتخاب در حیطه اختیار علماء و اندیشمندان است، یا در حیطه اختیار عموم مردم است، اگر در حیطه اختیار علماء است، چه مقدار از علماء، همه علماء یا بعض از علماء. اگر در اختیار مردم است، چه مقدار از مردم، اهل یک محله، اهل یک شهر و اهل یک کشور. بنابراین این تعاریف از جهات مختلف مبهم است.

اشکال دوم:

این تعاریف جامع نیست، زیرا در بعض از این تعاریف قید خلافت و نیابت از رسول دارد، با این که تعداد از انبیاء در عین حال که نبی بود امام هم بود، مثل حضرت موسی، عیسی، داوود، اسحاق، یعقوب، ابراهیم و حضرت محمد (ص).

۱. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیرنمونه، ج ۱، ص ۴۴۱. تهران: دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۷۴ ش.

۲. تفتازانی، مسعود. شرح المقاصد فی علم کلام، ج ۲، ص ۲۷۸. پاکستان: دار المعارف النعمانیه. چاپ اول، ۱۴۰۱. ۱۴۰۱ ق

۳. حسینی میلانی، علی. الامامه فی اهم الكتب الکلامیه، ص ۴۴. قم: مهر. چاپ اول. ۱۳۷۲ ش.

۴. الفضلیف عبد الهادی، (؟). خلاصه علم کلام، ص ۲۸۹.

۵. امینی، سید محسن (؟). اعیان الشیعه، ص ۳۶۱. بیروت دار التعارف للمطبوعات.

۶. سبحانی، جعفر. محاضرات فی الالهیات، ص ۳۴۳. قم: مؤسسه امام صادق (ع). ۱۳۷۲ ه.

و در بعض دیگر قید ریاست دارد، در حال که بعض از انبیاء ریاست داشت ولی امام نبود، مانند حضرت سلیمان، که حکومت گسترده ای داشت، و بعض دیگر ریاست نداشت ولی امام بود، مثل حضرت ابراهیم (ع).

مطابق این دو دسته از تعارف مقام امامت در حد ریاست یک شهر یا یک کشور است، منتها ریاستی که شکل دینی و عنوان جانشینی پیامبر (ص) را به خود گرفته است، طبعاً منشأ و اعتبار چنین مقامی می تواند مردم باشد، یا علما باشد و یا از طرق غلبه نظامی باشد.

دسته سوم تعاریف است که قید عصمت و برخی دیگر قید انتصابی بودن را نیز دارند، مثل این موارد: «الامام الانسان المعین من قبل الله لهدایة الناس و شرطه أن یكون معصوماً من الذنوب»<sup>(۱)</sup>، امام فرد معینی از طرف خدا برای هدایت مردم است، و شرطش این است که معصوم از گناه باشد. «إن الأئمة القائمین مقام الأنبیاء (ص) فی تنفيذ الأحكام وإقامة الحدود وحفظ الشرائع وتأديب الأنام معصومون كعصمة الأنبیاء»<sup>(۲)</sup>، امامانی که جانشینان پیامبر در اجرای احکام و إقامة حدود و حفظ شرعت و تربیت مردمند معصوم «از گناه و خطا هستند» همچون معصوم بودن انبیاء. «لإمامة هی منصب إلهی لیس للإنسان رأی فیهِ، كما هو حال النبوة»<sup>(۳)</sup>، امامت یک منصب الهی است، انسان نقش در انتخاب امامت ندا رد همان گونه که نقش در انتخاب نبوت ندارد.

#### تعریف مختار:

«امام فرد معصوم و انسان کامل است، که دارای ولایت مطلقه از جانب خداوند می باشد و برای هدایت جامعه بشری به صراط حق از طرف خدای سبحان تعیین شده است».

این تعریف دارای چند نکته است:

۱. عصمت، یعنی امام باید علماً و عملاً معصوم باشد، نه مرتکب گناه شود و نه در بیان احکام و قوانین دچار اشتباه شود.
۲. کمال، امام هم باید از نظر جسمی کامل باشد یعنی معلول نباشد و عقب ماندگی جسمی نداشته باشد؛ و هم از نظر فکری کامل باشد، دیوانه نباشد اختلالات فکری نداشته باشد.
۳. ولایت مطلقه، یعنی امام در اجرای امور و بیان احکام و قوانین و هدایت افراد و نحوه تشکیل حکومت اختیارات نامحدود دارد.
۴. هدایت جامعه، یعنی وظیفه اصلی امام هدایت جامعه به سوی سعادت دنیوی و اخروی است.

۱. عسکری، مرتضی. معالم المدرستین، ج ۱، ص ۱۶۱. بیروت: موسسه النعمان للطباعة والنشر والتوزیع. چاپ دوم. ۱۴۱۰ ق.

۲. مفید، محمد. أوائل المقالات، ص ۶۵. بیروت: دار المفید. چاپ دوم. ۱۴۱۴ ق.

۳. شاکری، حسین. موسوعه المصطفی والعترة (ع)، ج ۱۳، ص ۱۸۹. قم: نشر الهادی. چاپ اول. ۱۴۱۹ ق.

۵. از جانب خدا تعیین شده باشد، یعنی منصب امامت یک منصب الهی است مثل منصب نبوت، همان گونه که نبی را کسی غیر از خدا نمی‌تواند انتصاب کند امام را نیز غیر از خدا کسی دیگر نمی‌تواند انتصاب کند.

## اهمیت امامت

کتاب، سنت و تاریخ گواه است بر این که مسئله امامت یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در دین اسلام مطرح است. با توجه به این که با آمدن پیامبر اسلام (ص) پرونده ارسال رسول بسته شد و این دین به عنوان دین جهانی (۱) و جاودانه (۲) اعلام شد، عقل هر عاقل حکم می‌کند که برای پاسداری، تفسیر و تبیین قوانین و مقررات چنین دینی باید افراد به عنوان رهبر و امام معین شوند، تا از بروز اختلافات و اشاعه انظار و آرا غیر واقعی جلوگیری شوند.

## الف. اهمیت امام در قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم با عبارات مختلف هم اوصاف امام را بیان نموده است و هم وظایف مردم را نسبت به این رهبران الهی و هم اهمیت این مسئله را. که در ذیل به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

### ۱. امام پاک و معصومند

خداوند متعال در این باره فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۳)، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.

### شأن نزول این آیه

روایات متعدد از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده است که این آیه در باره حضرت محمد (ص)، علی، فاطمه و حسنین (ع) نازل شده است. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «این احادیث بیش از هفتاد حدیث است. که اکثر آن‌ها از طریق اهل سنت است، که تقریباً از چهل طریق نقل کرده‌اند، از جمله ام سلمه، عایشه، ابوسعید خدری، سعد، ابی‌الحمراء، ابن عباس، ضحاک بن مزاحم، زید بن ارقم، انس، عبدالله بن جعفر، علی، حسن بن علی و...».

از طریق شیعه، «حضرت علی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام رضا (ع)، ام سلمه، ابوذر، ابی لیلی و سعد بن ابی وقاص و... بیش از سی طریق نقل کرده‌اند» (۴).

۱. سوره، توبه (۹)، آیه، ۳۳. سوره، اعراف، (۷)، آیه ۱۵۸. سوره، انعام (۶)، آیه ۱۹ و ۹۰.

۲. سوره، فصلت، (۴۱)، آیه ۴۲.

۳. سوره، احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

۴. طباطبائی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۱۱. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

از جمل کتب معتبر اهل سنت که این حدیث را نقل نموده این آیه در باره حضرت محمد (ص)، علی، فاطمه و حسنین (ع) نازل شده است عبارتند از:

محمد بن ابی شیبہ الکوفی، م ۲۳۵. (المصنف فی الأحادیث و الآثار). تحقیق: کمال یوسف الحوت، ج ۶، ص ۱۴۰۹. دار النشر: مکتبه الرشد، ریاض. چاپ اول ۱۴۰۹ ق.

احمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، (فضائل الصحابة). ج ۲، ص ۵۷۷. دار النشر: مؤسسه الرساله - بيروت. ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس.

أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، (مسند الإمام أحمد بن حنبل)، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲۶۵۵۱ دار النشر: مؤسسه قرطبه - مصر.

محمد بن إسماعيل بن إبراهيم أبو عبدالله البخاري الجعفي (التاريخ الكبير) ج ۲، ص ۶۹، ح ۱۷۱۹. دار النشر: دار الفكر، تحقیق: السيد هاشم الندوی.

محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمي، (الجامع الصحيح سنن الترمذی)، ج ۵، ص ۳۵۱، ح ۳۲۰۵. دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقیق: أحمد محمد شاکر و آخرون.

اراده تکوینی خداوند تعلق گرفته که این گروه از هر نوع پلیدی دور باشند، تا به وسیله این گروه جامعه انسانی هدایت شوند و به سعادت دنیوی و اخروی برسند.

دلیل بر این که اراده در این آیه تکوینی است:

اولاً: اگر اراده تشریحی باشد اختصاص به طائفه خاص ندارد و شامل همه مکلفین می شود، در حال که در این آیه افراد خاص مورد خطاب است.

ثانیاً: آیه در مقام مدح و ثنا است، در اراده تشریحی مدح و ثنا نیست.

در این آیه خداوند متعال هم اهمیت مسئله امامت را بیان نموده است، این مسئله به حد مهم است، کسانی که این مقام به او داده می شود، به اراده تکوینی خداوند متعال باید از هر جهت معصوم باشند، یعنی باید هم عصمت علمی داشته باشند و هم عصمت عملی. زیرا بعد از پیامبر اکرم (ص) اینها مفسر قرآن و دین و هدایت کنندگان جامعه به سوی سعادت است؛ و در غیر این صورت جامعه از نظر اعتقادی به انحراف کشیده می شود.

و در این آیه دو صفت از او صاف امام نیز بیان شده است، تا مردم بدانند که امام کیست، و از چه کسانی باید پیروی کند؟

الف. امام فرد معصوم است که هم عصمت علمی دارد یعنی در تفسیر قرآن و بیان احکام الهی اشتباه نمی کند و هم عصمت عملی دارد، یعنی در رفتار و کردارش اشتباه نمی کند.

ب. امام از خویشاوندان و اهل بیت پیامبر (ص) است. بنابراین اگر کسی غیر از اهل بیت پیامبر (ص) ادعای امامت و خلافت کرد او به دروغ ادعا کرده و مردم نباید از او پیروی کند.



## ۲. امام صادق است

خداوند متعال در این باره فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۱)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راست‌گویان باشید.

گرچه صادقین مفهوم وسیعی دارد ولی در روایات متواتر از طریق شیعه و اهل سنت آمده است که مقصود از «الصَّادِقِينَ»، در این آیه محمد (ص) و آل محمد (ع) می‌باشند. (۲).  
نافع، از عبد الله بن عمر، در تفسیر این آیه چنین نقل می‌کند که خداوند نخست به مسلمانان دستور داد که از خدا بترسند، سپس فرمود: كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ یعنی مع محمد و اهل بیته (با پیامبر اسلام و خاندانش باشید) (۳).

علاوه بر این «اگر مفهوم صادقین در آیه عام باشد و همه مؤمنان راستین و با استقامت را شامل گردد باید گفته شود و کونوا من الصادقین از صادقین باشید، نه با صادقین باشید (دقت کنید). این خود قرینه روشنی است که صادقین در آیه به معنی گروه خاصی است.» (۴)

بنابراین یکی از اوصاف امام صداقت است، امام کسی است که در گفتار و رفتار صادق است. نکته دیگر این که خداوند متعال در این آیه دستور می‌دهد که وظیفه مردم همراه بودن با امام و پیروی از امام است، اطاعت از امام اطاعت از خدا است مخالفت با امام مخالفت با خدا است.

## ۳. امام و خلیفه بعد از پیامبر (ص) از خویشاوندان او است.

خداوند متعال در این باره فرموده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (۵)، بگو: بر این رسالت مزدی از شما، جز دوست داشتن خویشاوندانم، نمی‌خواهم.  
طبق این آیه مودت چه کسانی بر امت اسلامی واجب شده است؟  
شیعه و اهل سنت معترفند هنگامی که آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» نازل شد اصحاب عرض کردند ای رسول خدا! خویشاوندان تو که مودت آن‌ها بر ما واجب است کیانند؟ حضرت فرمود:  
علی و فاطمه و دو فرزند آن دو. (۱)

۱. سوره، توبه، (۹)، آیه ۱۱۹.

۲. بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۶۴. تهران: مؤسسه البعثه. چاپ ۱۴۱۵ ق. محمد بن الحسن بن فروخ الصفار. بصائر الدرجات الکبری. تحقیق میرزا محسنی کوچه باغی، ص ۵۱. تهران: مؤسسه اعلمی. چاپ ۱۳۶۲ ش.

کلینی، محمد. تحقیق علی اکبر غفاری، الکافی، ج ۱، ص ۸۸. تهران: دارالکتب اسلامی آخوندی. چاپ چهارم ۱۳۶۵ ش.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۸۸. نجف اشرف: مکتبه الحیدریه. چاپ، ۱۳۷۶.

۴- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۸۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ ۱۳۷۴ ش.

۵. سوره، شوری، (۴۲)، آیه ۲۳.

چنان که این مسئله در مباحثه پیامبر اکرم (ص) با مسیحیان نجران به خوبی بیان شده است: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (۲)، بگو: بیایید پسران ما و پسران شما و زنهای ما و زنهای شما و آلهای ما و آلهای شما باشند، دعوت کنیم. آن گاه در حق یکدیگر نفرین نماییم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم. غالب مفسران و محدثان شیعه و اهل تسنن تصریح کرده‌اند که آیه مباحثه در حق اهل بیت پیامبر ص نازل شده است و پیامبر تنها کسانی را که همراه خود به میعادگاه برد فرزندان حسن و حسین (ع) و دخترش فاطمه (ع) و علی (ع) بودند، بنا بر این منظور از [أبناءنا] در آیه منحصرأ [حسن و حسین] (ع) هستند، همان طور که منظور از [نساءنا] فاطمه (ع)، و منظور از [أنفسنا] تنها علی (ع) بوده است و احادیث فراوانی در این زمینه نقل شده است.

از جمله، مسلم نیشابوری در صحیح خود روایتی را از سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند که گفت وقتی که این آیه نازل شد «فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم»، رسول خدا (ص) علی و فاطمه و حسن و حسین را خواندند و فرمودند خداوندا، اینان اهل بیت من هستند. (۳) از جابر روایت شده است که گفت: مقصود از «أنفسنا وأنفسكم» رسول خدا (ص) و علی بن ابی طالب است؛ و مقصود از «أبناءنا» حسن و حسین و مقصود از «نساءنا» فاطمه است. (۴)

#### ۴. وظیفه مسلمانان اطاعت و پیروی از امام است.

چنان که خداوند متعال فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۵)، ای افرادی که ایمان آورده‌اید! خدا و رسول و صاحبان امر خود را اطاعت کنید.

#### اولوالأمر چه کسانی هستند؟

مفسرین اهل سنت در این مسئله اختلاف نظر دارند، بعضی از مفسرین اهل سنت معتقدند که منظور از اولوالأمر حکام و سلاطین است. بعضی دیگر معتقدند که منظور از اولوالأمر علما و فقها است. بعضی دیگر

۱. زحمشری، محمودبن عمر. تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۲۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ثعلبی، احمد. تفسیر ثعلبی، ج ۸، ص ۳۱۰. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول ۱۴۲۲.

حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه. چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۲. سوره، آل عمران، (۳)، آیه ۶۱.

۳. القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، ج ۴، ص ۱۸۷۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴. الدمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۷۱. بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.

السیوطی، عبد الرحمن بن الکرمال، الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۳۱. بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۳.

الشوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، ج ۱، ص ۳۴۷. بیروت: دار الفکر.

۵. سوره، نساء، (۴)، آیه ۵۹.

معتقدند که منظور از این کلمه خلفای چهارگانه نخستینند؛ و بعضی دیگر معتقدند که منظور از اولوالأمر صحابه و یاران پیامبر (ص) است.

مفسرین شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولوالأمر، امامان معصوم می‌باشند، و این مقام از طرف خداوند متعال و پیامبر اکرم (ص) به آن‌ها سپرده شده است، و غیر آن‌ها را شامل نمی‌شود. چنانکه پیامبر اسلام (ص) خطاب به حضرت علی (ع) فرمود: «أما ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى حين قال اخلفني في قومي واصلح فقال عز وجل (وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)»<sup>(۱)</sup>، آیا دوست نداری نسبت به من همانند هارون (برادر موسی) نسبت به موسی (ع) باشی، آن زمانی که موسی به او گفت: در میان بنی اسرائیل جانشین من باش و اصلاح کن، سپس خداوند عز و جل فرمود: «وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ». حدیث منزلت در کتب معتبر شیعه و اهل سنت آمده است. معتبرترین کتب روایی اهل سنت این حدیث را این گونه نقل می‌کند که پیامبر اکرم (ص) خطاب به حضرت علی (ع) فرمود: «أما ترضى ان تكون منى بمنزلة هارون من موسى»<sup>(۲)</sup>، آیا دوست نداری نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی (ع) باشی. یعنی همان گونه که هارون خلیفه و جانشین حضرت موسی بود، علی (ع) خلیفه و جانشین پیامبر اسلام (ص) است. مگر نبوت چون که باب نبوت با آمدن پیامبر اسلام (ص) بسته شد.

## ۵. تهدید در ابلاغ امام

در اهمیت امام همین بس که خداوند متعال با لحن تهدید آمیز خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»<sup>(۳)</sup>، ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شد ابلاغ کن و اگر نکنی پیام خدا را نرسانده‌ای. خدا تو را از (شر) مردم نگاه می‌دارد.

همه علماء شیعه اتفاق نظر دارند که این آیه در باره حضرت علی (ع) نازل شده است؛ و بسیار از علماء اهل سنت در کتب تفسیری، حدیثی و تاریخی با صراحت اعتراف نموده است که آیه فوق در باره حضرت علی (ع) نازل شده است.<sup>(۴)</sup>

۱. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین. شرح احقاق الحق، ص ۴۲۵. قم: مکتبه آیه مرعشی نجفی.

۲. القشیری النیسابوری، مسلم بن احجاج. صحیح مسلم. تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، ج ۴، ص ۱۸۷۱، ح ۲۴۰۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳. سوره، مائده، (۵)، آیه ۶۷.

۴. سیوطی، عبد الرحمن بن کمال. الدرالمثور، ج ۳، ص ۱۱۷. بیروت: دار الفکر ۱۹۹۳ م.

+ الرازی، عبد الرحمن بن محمد. تفسیر قرآن، ج ۴، ص ۱۱۷۲. صیدا: المکتبه العصریه.

## ۶. دین با معرفی امام کامل می شود

خداوند متعال در این باره فرمودند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۱)، امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم.

تمام مفسرین شیعه اتفاق نظر دارند که منظور از [الیوم] روز غدیر خم است که پیامبر اسلام (ص) علی (ع) را به عنوان امام و جانشین خود معرفی کرد؛ و روایات متعدد از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده است که صراحت بر این مطلب دارند.

پیامبر اسلام (ص) در خطبه معروف غدیر فرمود: «اللّٰهُ اكْبَرُ عَلٰى اِكْمَالِ الدِّينِ وَ اِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَ رِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ بِالْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَاوَاهُ عَادَ مِنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ» (۲)، الله اکبر بر تکمیل دین و اتمام نعمت پروردگار و خشنودی خداوند از رسالت من و ولایت علی ع بعد از من، سپس فرمود: هر کس من مولای اویم علی ع مولای او است، خداوند! آن کس که او را دوست بدارد دوست بدار، و آن کس که او را دشمن دارد، دشمن بدار، هر کس او را یاری کند یاری کن و هر کس دست از او بردارد، دست از او بردار.

## ب. اهمیت امام در سنت

روایات متعدد از طرق شیعه و سنی صراحت دارد بر این که پیامبر اسلام (ص) از نخستین روزهای ابلاغ رسالتش تا آخرین روزهای عمرش همواره در مناسبت‌های مختلف با بیانات گوناگون امام و جانشینش را معرفی نموده است؛ و در بعضی از سخنانش مقام امام به عنوان وصی و خلیفه و مولی و در بعضی دیگر اهمیت امام و در بعضی دیگر اوصاف امام بیان شده است؛ که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

### ۱. علی برادر و وصی و خلیفه من است

- + علی بن الحسن ابن هبه الله. تاریخ دمشق، ج ۲۲، ص ۲۳۷.
- + العینی، محمود بن احمد. عمدة القاری شرح صحیح بخاری، ج ۱۸، ص ۲۰۶. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- + شوکانی، محمد بن علی. فتح القدیر. ج ۲، ص ۶۰. بیروت: دار الفکر. آلوسی بغدادی، محمود.
- + روح المعانی فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۱۹۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- + طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، ص ۴۶۸. قم، چاپ: اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۱. سوره مائده، (۵)، آیه ۳.
- ۲. الحرائی، احمد بن عبد الحلیم. منهاج السنه النبویه، ج ۷، ص ۵۲. مؤسسه قرطبه، چاپ اول، ۱۴۰۶ ش.
- + الذهبی، محمد بن عثمان. المنتقی من منهاج الاعتدال، ج ۱، ص ۴۲۵.
- + آلوسی البغدادی، محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

پیامبر اسلام (ص) پس از سه سال دعوت مخفیانه، سر انجام مأمور شد که دعوت همگانی خود را از طریق خویشاوندان و بستگان آغاز کند؛ «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (۱)، بستگان نزدیک خود را از عذاب الهی بیم ده.

پیامبر (ص) پس از این دستور چهل و پنج نفر از بزرگان بنی هاشم را به مهمانی دعوت کرد، و پس از صرف غذا سخنان خود را آغاز کرد و در پایان فرمود: «وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ أَنْ أَدْعُوَكُمْ إِلَيْهِ، فَأَيُّكُمْ يُؤَازِرُنِي عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيَّ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي» (۲)، خدایم به من فرمان داده است که شما را به وحدانیت او و رسالت خویش دعوت کنم. چه کسی از شما مرا در این راه کمک می‌کند تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد؟

در این هنگام علی (ع) برخاست و گفت ای پیامبر خدا، من تو را در این راه یاری می‌کنم. پیامبر دستور داد که علی بنشیند و دو بار دیگر این سؤال را تکرار نمود و هر بار علی (ع) برخاست و آمادگی خود را اعلام کرد. سپس پیامبر (ص) دست علی را گرفت و چنین فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَيُكْمِ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا» (۳)، هان ای خویشاوندان من بدانید که علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شما است، حرف او را بشنوید و از او پیروی کنید.

#### از این حدیث چند مطلب استفاده می‌شود:

**اولاً:** پیامبر اسلام (ص) جانشین و خلیفه بعد از خودش را با بیان روشن معرفی کرده؛ و فرمود: «علی برادر و وصی و خلیفه من در میان شما است» و با این بیان جای هیچ شبهه باقی نمی‌ماند.

**ثانیاً:** اطاعت و پیروی از امام و خلیفه معصوم را لازم و واجب دانسته است؛ و فرمود: «حرف او را بشنوید و از او پیروی کنید».

**ثالثاً:** از این واقعه اهمیت امامت به خوبی استفاده می‌شود. پیامبر اسلام (ص) در یک روز، همزمان با اعلام نبوت خود امام و جانشینش را معرفی می‌کند، یعنی این که امامت مکمل و متمم رسالت است.

## ۲. حق با علی است و علی با حق

۱. سوره، شعراء، (۷۶)، آیه ۲۱۴.

۲. طبری، محدثین جریر. تهذیب الآثار، ج ۳، ص ۶۳. قاهره: مطبعة المدنی.

خصیبه، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، ص ۴۷. بیروت: ۱۴۱۹ ق.

۳. طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۳. بیروت: دار الکتب العلمیه.

طبق روایات متواتر از شیعه و اهل سنت، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الحق مع علی و علی مع الحق لن یزولا حتی یردا علی الحوض» (۱)، همواره حق با علی (ع) و علی با حق است این دو از هم جدا نمی‌شود تا در کنار حوض بر من وارد شوند.

به تعبیر دیگر حضرت فرمود: «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ، وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ» (۲)، علی، با حق است و حق با علی، که به هر طرف او بگردد، حق با او می‌گردد.

این حدیث در کتب اهل سنت با این تعبیر نیز نقل شده است: «اللهم أدر الحق مع علی حیث ما دار» موسوعه أقوال الدارقطنی، ج ۱، ص ۲۲، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن عمر بن أحمد بن مهدی بن مسعود بن النعمان بن دینار البغدادی الدارقطنی (المتوفی: ۳۸۵ هـ).

الإنصاف فیما یجب اعتقاده ولا یجوز الجهل به، اسم المؤلف: أبو بکر محمد بن الطیب الباقلائی، دار النشر: عالم الکتب - لبنان - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۶ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: عماد الدین أحمد حیدر.

المعتمد فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۷۰. اسم المؤلف: محمد بن علی بن الطیب البصری أبو الحسین، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۳، الطبعة: الأولى، تحقیق: خلیل المیسر.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال، ج ۴، ص ۳۷۰. اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامه العمری.

پیامبر اکرم (ص) به خوبی می‌دانست که امتش در امر خلافت، اختلاف پیدا می‌کند و لذا با یک قاعده کلی معیار سنجش حق از باطل را مشخص نمود، که اگر کسی به جهات مختلف دچار شبه شد، با این معیار حق را از باطل بشناسد؛ و از طرف برای هیچ کسی عذر و بهانه ای باقی نگذاشته تا در روز قیامت در دادگاهی عدل الهی عذر بیاورد که من نتوانستم حق را از باطل تشخیص دهم.

### ۳. حدیث اثنا عشر خلیفه

این روایت در منابع شیعه و اهل سنت با عبارات مختلف، «اثنا عشر خلیفه»، «اثنا عشر امیراً» و «اثنا عشر نقیباً» آمده است، که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف. تعبیر به دوازده خلیفه

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلِّهِمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (۱)؛ دین، همیشه برپاست تا این که قیامت فرا رسد و بر شما دوازده خلیفه باشد که همگی از قریشند.

۱. اصفهانی، حسین بن محمد. محاضرات الإدبا، ج ۲، ص ۴۹۶. بیروت: دار القلم. چاپ ۱۴۲۰ هـ.

۲. مفید، محمد بن محمد. الفصول المختارة، ص ۹۷. قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

### ب : تعبیر به دوازده نقیب

همچنین حدیثی دیگری از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که به صراحت از دوازده جانشین ایشان و این که تعداد آنان، همان تعداد نقیبان حضرت موسی (ع) است، سخن می‌گوید.  
مسروق می‌گوید ما از رسول خدا (ص) سؤال نمودیم که تعداد خلفایی بعد از شما چند نفر است، حضرت فرمود: «اثنَا عَشَرَ كَعْدَةَ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (۲)، خلفاء من دوازده نفرند مانند نقباء بنی اسرائیل.

### ج: تعبیر به دوازده قیم امت

همچنین این حدیث با تعبیر «اثنَا عشر قِيمًا» و سند صحیح، در منابع روای آمده است، از جمله ابویعلی موصلی (متوفای ۳۰۷ هـ) از محدثین قدیمی و شهیر اهل سنت می‌نویسد:  
جابر بن سمره گفت: «كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه وسلم فقال: يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثنَا عَشَرَ قِيمًا لَا يَضُرُّهُمْ مِنْ خَذَلَهُمْ ثُمَّ هَمَسَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكَلِمَةٍ لَمْ أَسْمَعْهَا فَقُلْتُ لِأَبِي مَا الْكَلِمَةُ الَّتِي هَمَسَ بِهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: كَلِمَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ.» (۳)، ما در کنار پیامبر (ص) نشسته بودیم که فرمود: «این امت دوازده قیم خواهد داشت» سپس رسول خدا (ص) آهسته سخنی گفت که نشنیدم به پدرم گفتم: سخنی که آن را آهسته گفت: چه بود؟ گفت: «همگی از قریشند».

### د : تعبیر به دوازده امیر

همچنین این حدیث با تعبیر «اثنَا عشر امیراً» در منابع دست اول اهل سنت، منعکس شده است از جمله، بخاری صاحب صحیح‌ترین کتاب حدیثی اهل سنت، می‌نویسد:  
جابر بن سمره گفت: از پیامبر (ص) شنیدم که می‌فرمود: «يَكُونُ اثنَا عَشَرَ أَمِيرًا» فقال كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقَالَ: أَبِي إِنَّهُ قَالَ: «كَلِمَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ» (۴).  
دوازده امیر (برای شما) خواهد بود، سپس رسول خدا (ص) سخنی گفت که نشنیدم، پدرم گفت پیامبر فرمود: آن‌ها همگی از قریشند.

احادیث فوق با تعابیر مختلف دو مطلب را ثابت می‌کند:

۱. القشیری النیسابوری، مسلم. صحیح مسلم. تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۱۸۲۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

. الموصلی التمیمی، احمد بن علی. مسند ابی علی، ج ۸، ص ۴۴۴ ف ح ۵۰۳۱. دمشق: دار المأمون التراث.

۲. الشیبانی، أحمد بن حنبل. مسند أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۳۷۸۱. مصر: مؤسسة قرطبة.

۳. بو یعلی الموصلی التمیمی، أحمد بن علی بن المثنی، مسند ابی یعلی، ج ۱ ص ۷۹، تحقیق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ هـ.

۴. البخاری، محمد بن إسماعیل. الجامع الصحیح المختصر، ج ۶، ص ۲۶۴۰. بیروت: دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ.

اولاً: پیامبر اسلام (ص) با بیانات روشن صریح و تعابیر مختلف، خلفا و جانشینان خودش را معرفی نموده و این امر را به امت واگذار نکرده است، این بر هیچ عالم مسلمان پوشیده نیست، مگر کسی از روی عناد بگوید که پیامبر خلفای بعدش را معرفی نکرده است.

ثانیاً: این احادیث تا حدی علائم و ویژگی‌های جانشینان پیامبر (ص) را مشخص می‌کند، این که آن‌ها دوازده نفرند و از قریشند.

#### ۴. عمل بدون ولایت ائمه معصومین (ع) پذیرفته نیست

در روایات متعدد، چه در منابع شیعه و چه اهل سنت، امامت و ولایت جایگاه رفیع و بلندی دارد، که هر فرد عاقل و منصف اگر به آیات و روایات و تاریخ اسلام نگاه کند به اهمیت این مسئله پی می‌برد؛ که در ذیل به چند نمونه روایت اشاره می‌شود.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ رَجُلًا لَقِيَ اللَّهَ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا ثُمَّ لَمْ يَأْتِ بِوَلَايَةِ أَوْلِي الْأَمْرِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا» (۱)، سوگند به آن کس که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد، هر کس در پرونده‌اش عمل هفتاد پیامبر ثبت شده باشد، ولی در پرونده‌اش ولایت اهل بیت من نباشد خداوند هیچ کار نیکی را از او نمی‌پذیرد.

یعنی ولایت ائمه (ع) مساوی است با اصل توحید و اصل نبوت؛ همان گونه که کسی توحید و نبوت را قبول نداشته باشد اعمالش قبول نمی‌شود، اگر ولایت ائمه (ع) را قبول نداشته باشد اعمالش قبول نمی‌شود، یعنی اسلام منهای ولایت ائمه پذیرفته نیست.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «يَا عَلِيُّ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَا دَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ ذَهَابًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُؤَالِكَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا» (۲)، ای علی! اگر یک بنده‌ای به اندازه عمر نوح عبادت کند و به اندازه کوه احد، طلا در راه خدا انفاق کند و هزار بار با پای پیاده به زیارت خانه خدا برود و در بین صفا و مروه، مظلومانه کشته شود؛ اگر با این عمل سنگین، ولایت تو را نداشته باشد، فردای قیامت بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید.

در این حدیث پیامبر اسلام (ص) ولایت حضرت علی (ع) را عدل اسلام قرار داده، همان گونه که هیچ عمل بدون پذیرش اسلام قبول نیست، بدون پذیرش ولایت علی (ع) نیز هیچ عمل قابل قبول نیست.

#### ۵. ولایت معصومین (ع) مقدم بر نماز، روزه، حج و زکات است

۱. مفید، محمد، الأمالی (للمفید)، ص ۱۱۵. قمر: کنگره شیخ مفید. چاپ، اول، ۱۴۱۳ ق.

۲. طبری آملی، عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعۃ المرتضی، ۹۴. نجف: مکتبه الحیدریه.

چاپ، دوم، ۱۳۸۳ ق.



امام محمدباقر (ع) فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ تُنَادَ بِشَيْءٍ مَّا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»<sup>(۱)</sup>. اساس اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت؛ و در میان این پنج پایه، جایگاه ولایت رفیع و بلند است.

این حدیث ارزش ولایت ائمه (ع) را نسبت به چهار رکن دین بیان می‌کند. اهمیت بسیار فوق‌العاده نماز، زکات، حج و روزه، بر هیچ مسلمان آگاه به دین پوشیده نیست، و ولایت ائمه (ع) از این چهار رکن هم مهم‌تر است.

## ۶. ائمه معصومین (ع) کشتی نجات است

این حدیث از احادیث است که شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که از پیامبر اکرم (ص) صادر شده است.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «أَلَا إِنَّ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ»<sup>(۲)</sup>، آگاه باشید که مثل اهل بیت من در بین شما مانند کشتی نوح است که هر که سوار کشتی شد نجات یافت و هر کسی تخلف کرد هلاک شد.

این حدیث اهل بیت را به کشتی نجات تشبه نموده، یعنی در صورت امت اسلامی نجات پیدا می‌کند رستگار می‌شود که از آن‌ها پیروی کنند و آن‌ها را به عنوان امام و جانشینان پیامبر اسلام (ص) بی‌پذیرد و در غیر این صورت گمراه می‌شوند و در نتیجه هلاک می‌گردند.

## ۷. ائمه معصومین (ع) عدل قرآن است

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «أَنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَانَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ»<sup>(۳)</sup>، من در میان شما دو چیز گران

<sup>۱</sup>. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن. ج ۱، ص ۲۸۶. قم: دار الکتب الاسلامیه. چاپ، دوم، ۱۳۷۱ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۸. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

<sup>۲</sup>. شیبانی، احمد بن حنبل. فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۷۸۵. مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۹۳۷. قم: الهادی. چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.

النیسابوری، محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۲، ص ۳۷۳. بیروت: دار الکتب العلمیه چاپ، اول، ۱۴۱۱ ق.

الهیثمی، أحمد بن محمد بن علی ابن حجر. الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه. تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي، کامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۴۴۵. لبنان: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

<sup>۳</sup>. الشیبانی، احمد بن حنبل. مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴، ح ۱۱۱۱. مصر: مؤسسه قرطبه.

ابن بابویه، محمد بن علی. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۴۰. تهران: اسلامیه. چاپ، دوم، ۱۳۹۵ ق.

بها گذاشتم که یکی از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است: کتاب خدا که رسمانی است از آسمان تا زمین کشیده شده است و عترتم اهل بیتم و آن دو از یک دیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

این حدیث نیز از احادیث است که شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که از پیامبر اکرم (ص) صادر شده است. به صورت متواتر در کتب معتبر شیعه و اهل سنت از حضرت پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. پیامبر اسلام (ص) در این سخن اهل بیت یعنی امامت را عدل قرآن قرار داده است، همان گونه که قرآن ارزشمند است اهل بیت ارزشمند است. همان گونه که قرآن بر حق است اهل بیت بر حق است. همان گونه که پیروی از قرآن بر همه مسلمین لازم است. پیروی از اهل بیت بر همه لازم است. قرآن و اهل بیت از هم جدا نمی‌شود، هر که بر اهل بیت شک کند، بر قرآن شک نموده است؛ و هر که اهل بیت را اطاعت نکند، قرآن را اطاعت نکرده است.

### ۸. امام نسبت به دیگران اولی و افضل است

پیامبر اسلام (ص) هم اولویت و افضلیت خلفای بعدش را بیان نموده است و آنان را به نام معرف کرده است. حضرت در این باره چنین فرمودند: «من به مؤمنین از خود آنان اولی هستم، سپس برادر علی بن ابی طالب به مؤمنین از خودشان اولی است، و آنگاه که به شهادت برسد، حسن بن علی به مؤمنین از خودشان اولی است، سپس پسر حسین بعد از او به مؤمنین از خودشان اولی است و آنگاه که به شهادت برسد، پسرش علی بن حسین به مؤمنین از خودشان اولی است و حتماً تو ای علی! او را درک خواهی کرد سپس پسرش محمد بن علی به مؤمنین از خودشان اولی است و تو ای حسین حتماً او را درک خواهی نمود، سپس با او در باره دوازده امامی سخن گفت که نه نفر آنان از فرزندان حسینند» (۱)

پیامبر اسلام (ص) برای این که حجت را تمام کند، تا برای هیچ کسی عذر باقی نماند. اولاً: خلفای بعد از خودش را نام می‌برد، تا همه به نام آنها بشناسند.

ثانیاً: از باب اولویت و افضلیت حق خلافت این دوازده نفر را ثابت می‌کند. زیرا هیچ عاقل مفضول را بر فاضل مقدم نمی‌دارد.

۱. أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، فضائل الصحابة. تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۲، ص ۵۷۶. بیروت: مؤسسه الرساله. چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.

الفسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفة والتاریخ. تحقیق: خلیل المنصور، ج ۱، ص ۲۹۶. بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ ۱۴۱۹ ق.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۹. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

## نتیجه گیری

مهم‌ترین یافته‌های این مقاله به شرح ذیل است:

۱. امام در لغت: به معنای مقتدا و پیشواست، خواه انسان باشد، یا چیز دیگر.
۲. امام در قرآن: واژه امام به همان معنای لغوی دوازده مرتبه در قرآن تکرار شده است. که هفت بار به صورت مفرد و پنج بار به صورت جمع به کار گرفته شده است. در پنج مورد به پیشوایان حق و صالح اطلاق شده است، در دو مورد بر تورات موسی، در یک مورد بر لوح محفوظ و در یک مورد به مفهوم جامع که هم بر امامان حق و هم بر امامان باطل به کار رفته است.
۳. در بین علماء و اندیشمندان مسلمان از امام تعاریف متعدد ارائه شده است، که به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند.
  - دسته اول تعاریف است که قید خلافت و نیابت از پیامبر در آنها نیامده است بدین جهت نبوت را نیز شامل می‌شوند.
  - دسته دوم، تعاریف است که قید خلافت یا نیابت از پیامبر در آنها آمده است و بدین جهت شامل نبوت نمی‌شود.
  - دسته سوم تعاریف است که قید عصمت و برخی دیگر قید انتصابی بودن را نیز دارند.

## ۴. اهمیت امام

الف. اهمیت امام در قرآن:

کتاب، سنت و تاریخ گواه است بر این که مسئله امامت یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در دین اسلام مطرح است.

خداوند متعال در قرآن کریم با عبارات مختلف هم اوصاف امام را بیان نموده است و هم وظایف مردم را نسبت به این رهبران الهی و هم اهمیت این مسئله را. که در ذیل به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

امام پاک و معصومند، امام صادق است، امام و خلیفه بعد از پیامبر (ص) از خویشاوندان او است، وظیفه مسلمانان اطاعت و پیروی از امام است، تهدید در ابلاغ امام و دین با معرفی امام کامل می‌شود.

ب. اهمیت امام در سنت:

روایات متعدد از طرق شیعه و سنی صراحت دارد بر این که پیامبر اسلام (ص) از نخستین روزهای ابلاغ رسالتش تا آخرین روزهای عمرش همواره در مناسبت‌های مختلف با بیانات گوناگون امام و جانشینش را معرفی نموده است؛ و در بعضی از سخنانش مقام امام به عنوان وصی و خلیفه و مولی و در بعضی دیگر اهمیت امام و در بعضی دیگر اوصاف امام بیان شده است؛ که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود:

پیامبر اسلام (ص) فرموده است: علی برادر و وصی و خلیفه من است، حق با علی است و علی با حق، خلفای بعد از من دوازده نفرند، که در منابع شیعه و اهل سنت با عبارات مختلف، «اثنا عشر خلیفه»، «اثنا عشر امیراً» و «اثنا عشر نقیباً» آمده است.

عمل بدون ولایت ائمه معصومین (ع) پذیرفته نیست، ولایت معصومین (ع) مقدم بر نماز، روزه، حج و زکات، است، ائمه معصومین (ع) کشتی نجات است، ائمه معصومین (ع) عدل قرآن است و امام نسبت به دیگران اولی و افضل است.

## منابع

١. قرآن.
٢. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، نجف اشرف: مكتبة الحيدريه. چاپ، ١٣٧٦.
٣. ابن فارس، احمد بن فارس، (؟). معجم مقاييس اللغة. قم: مكتبة الاسلامي. چاپ اول.
٤. ابن منظور، محمد بن مكرم، (؟). لسان العرب. بيروت: دار صادرات. چاپ سوم.
٥. البخاري، محمد بن إسماعيل. الجامع الصحيح المختصر. بيروت: دار ابن كثير، چاپ سوم، ١٤٠٧ ق.
٦. الحراني، احمد بن عبد الحلیم. منهاج السنه النبويه. مؤسسۀ قرطبه، چاپ اول، ١٤٠٦ ش.
٧. الدمشقي، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم. بيروت: دار الفكر، ١٤٠١ ق.
٨. الذهبي، محمد بن عثمان. المنتقى من منهاج الاعتدال.
٩. الرازي، عبد الرحمن بن محمد. تفسير قرآن. صيدا: المكتبة العصريه.
١٠. الزهاوي، جميل صدقي، (١٩٨٤ م). الفجر الصادق. استانبول: مكتبة اشيق.
١١. الشيباني، أحمد بن حنبل. مسند أحمد بن حنبل. مصر: مؤسسۀ قرطبه.
١٢. العيني، محمود بن احمد. عمدۀ القاري شرح صحيح بخاري. بيروت: دار احياء التراث العربي.
١٣. الفضلي عبد الهادي، (؟). خلاصه علم كلام،
١٤. القشيري النيسابوري، مسلم بن احجاج. صحيح مسلم. تحقيق: محمد فواد عبدالباقى. بيروت: دار احياء التراث العربي.
١٥. اميني، سيد محسنف (؟). اعيان الشيعة. بيروت دار التعارف للمطبوعات.
١٦. بحراني، سيد هاشم. البرهان في تفسير القرآن. تهران: مؤسسۀ البعثه. چاپ ١٤١٥ ق.
١٧. برقي، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن.. قم: دار الكتب الاسلاميه. چاپ، دوم، ١٣٧١ ق.
١٨. بو يعلى الموصلي التميمي، أحمد بن على بن المثنى، مسند أبي يعلى. تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث الطبعة: الأولى، ١٤٠٤ ق.
١٩. تفتازاني، مسعود. شرح المقاصد في علم كلام.، باكستان: دار المعارف النعمانيه. چاپ اول، ١٤٠١ ق.
٢٠. جرجاني، القاضي. شرح المواقف. مصر: مطبعه السعاده. چاپ اول. ١٣٢٥.
٢١. حسيني ميلاني، على. الامامه في اهم الكتب الكلاميه. قم: مهر. چاپ اول. ١٣٧٢ ش.
٢٢. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات الفاظ قرآن. بيروت: دار العلم. چاپ اول. ١٣٤٧.
٢٣. روح المعاني في تفسير القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربي.
٢٤. زحمشري، محمود بن عمر. تفسير كشاف. بيروت: دار احياء التراث العربي.
٢٥. سبجاني، جعفر. محاضرات في الالهيات. قم: مؤسسۀ امام صادق (ع) ١٣٧٢.
٢٦. سيوطي، عبد الرحمن بن كمال. الدرالمثور. بيروت: دار الفكر ١٩٩٣ م.

٢٧. شاكري، حسين. موسوعه المصطفى والعترة (ع). قم: نشر الهادي. چاپ اول. ١٤١٩ ق.
٢٨. شوكانى، محمدبن على. فتح القدير. بيروت: دار الفكر. آلوسى بغدادى، محمود.
٢٩. شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، ( ) وسائل الشيعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع). چاپ اول. ١٤٠٩ ق
٣٠. طباطبايى، محمد حسين. الميزان فى تفسير القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٧ ق.
٣١. طبرى آملى كبير، محمد بن جرير بن رستم، المسترشد فى إمامة على بن أبى طالب عليه السلام. قم، چاپ: اول، ١٤١٥ ق.
٣٢. طبرى آملى، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى. نجف: مكتبه الحيدريه. چاپ، دوم، ١٣٨٣ ق.
٣٣. طبرى، محمدبن جرير. تهذيب الآثار. قاهره: مطبعة المدنى.
٣٤. طبرى، محمد بن جرير. تاريخ طبرى. بيروت: دار الكتب العلميه.
٣٥. عسكرى، مرتضى. معالم المدرستين. بيروت: مؤسسه النعمان للطباعة والنشر والتوزيع. چاپ دوم. ١٤١٠ ق
٣٦. على بن الحسن ابن هبه الله. تاريخ دمشق.
٣٧. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى. تهران: دار الكتب الاسلاميه. چاپ، چهارم، ١٤٠٧ ق.
٣٨. مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين. شرح احقاق الحق. قم: مكتبه آيه مرعشى نجفى.
٣٩. مصطفوى، حسن. التحقيق فى كلمات القرآن الكريم. تهران: مرتضوى. چاپ دوم. ١٣٧٤.
٤٠. مفيد، محمد بن محمد. الفصول المختارة. قم: كنگره شيخ مفيد، چاپ، اول، ١٤١٣ ق.
٤١. مفيد، محمد. أوائل المقالات. بيروت: دار المفيد. چاپ دوم. ١٤١٤ ق.
٤٢. مكارم شيرازى، ناصر. تفسير نمونه. تهران: دار الكتب الاسلاميه. ١٣٧٤ ش.
٤٣. آلوسى البغدادى، محمود. روح المعانى فى تفسير القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربى.
٤٤. ابن بابويه، محمد بن على. كمال الدين و تمام النعمة. تهران: اسلاميه. چاپ، دوم، ١٣٩٥ ق.
٤٥. اصفهانى، حسين بن محمد. محاضرات الإدبا. بيروت: دار القلم. چاپ ١٤٢٠ ق.
٤٦. الايجى. المواقف. بيروت: دار الجيل. چاپ اول. ١٤١٧ ق
٤٧. ثعلبى، احمد. تفسير ثعلبى. بيروت: دار احياء التراث العربى. چاپ اول ١٤٢٢.
٤٨. حسكانى، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل. تهران: مجمع احياء الثقافه الاسلاميه. چاپ، اول، ١٤١١ ق.
٤٩. خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى. بيروت: ١٤١٩ ق.
٥٠. السيوطى، عبد الرحمن بن الكمال، الدر المنثور. بيروت: دار الفكر، ١٩٩٣.
٥١. الشوكانى، محمد بن على، فتح القدير. بيروت: دارالفكر.

٥٢. الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبد الله ، فضائل الصحابة. تحقيق : د. وصي الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة. چاپ اول، ١٤٠٣ ق.
٥٣. الفسوي، يعقوب بن سفيان، المعرفة والتاريخ. تحقيق : خليل المنصور. بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ ١٤١٩ ق.
٥٤. محمد بن الحسن بن فروخ الصفار. بصائر الدرجات الكبرى. تحقيق ميرزا محسنی كوچه باغی. تهران: مؤسسه اعلمی. چاپ ١٣٦٢ ش.
٥٥. مفید، محمد، الأمالی (للمفید)، قم: كنگره شیخ مفید. چاپ، اول، ١٤١٣ ق.
٥٧. نيسابوری، محمد بن عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمية چاپ، اول، ١٤١١ ق.
٥٨. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی. قم: الهادی. چاپ: اول، ١٤٠٥ ق.
٥٩. الهیثمی، أحمد بن محمد بن علی ابن حجر. الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه. تحقيق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي، كامل محمد الخراط. لبنان: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤١٧ ق.